گزارش

گزارش «شـرق» از بازی هوشمندانه ایران با اهرم راهبردی تنگه هرمز برای کنترل تحولات لبنان هم‌زمان با سفر هیئت ایرانی «میناب ۱۶۸» به سوئیس

آغاز دور فنی مذاکرات

مالک مصدق: اگر در برهه‌های پیش از امضای تفاهم تهران-واشینگتن، پاسـخ ایران به تحـولات میدانی منطقه، به‌ویژه تجاوزات اسـرائیل به لبنان، عمدتا در قالب عملیات‌های مسـتقیم یا اقدامات متقابل نظامی تعریف می‌شـد، اکنون به نظر می‌رسـد فضای جدید پس از نخستین تفاهم مستقیم میان رؤسـای جمهور دو کشور، تهران را به سـمت بازتعریف ابزارهای اعمال قدرت سـوق داده است. در این چارچوب، هدف دیگر صرفا پاسخ‌گویی به یک اقدام نظامی نیست، بلکه وادارکردن طرف مقابل به اجرای تعهداتی است که بـا امضای تفاهم‌نامه پذیرفته اسـت؛ آن‌هـم بدون آنکه ایـران خود آغازگر چرخه‌ای تازه از تنش باشد یا زمینه نقض رسمی تفاهم را فراهم کند. جالب‌تر آنجاسـت که تهران هیئت مذاکره‌کننده خـود را هم‌زمان به زوریخ اعزم کرده است که به معنای ادامه مسـیر دیپلماتیک و آغاز مذاکرات در راستای نیل به توافق خواهد بود. از این منظر، اعلام بسته‌شدن تنگه هرمز در واکنش به تداوم حملات اسـرائیل به لبنان را می‌توان مهم‌ترین جلوه این تغییر رویکرد دانست؛ اقدامی که بدون شلیک حتی یک گلوله، حساس‌ترین شریان انرژی جهان را به کانون بحـران تبدیل و هزینه بی‌عملی آمریکا در قبال تعهداتش را از سـطح میدانی به سطح اقتصاد جهانی و امنیت انرژی منتقل کرد. به بیان دیگر، تهران این بار به‌جای آنکه به‌طور مسـتقیم وارد میدان تقابل نظامی شـود، کوشید از یک اهرم ژئوپلیتیکی برای افزایش هزینه‌های سیاسی و اقتصادی طرف مقابل اسـتفاده کند. هم‌زمانی این اقدام با صدور دستور توقف آتش از سوی بنیامین نتانیاهو و یسرائیل کاتس، این برداشت را تقویت کرده که ایران مؤثرترین کارت راهبردی خود را به میدان آورده اسـت؛ هرچند هنوز برای نتیجه‌گیری قطعی درباره رابطه این دو رخداد یا پایداری توقف حملات زود است؛ چون تجربه‌های گذشته نشان داده است اعلام آتش‌بس الزاما به معنای پایان درگیری نیست و هر لحظه امکان بازگشت تنش‌ها وجود دارد. اکنون دولت ترامپ در برابر یکی از دشوارترین آزمون‌های سیاسـت خارجی خود قرار گرفته است. تداوم مسیر مذاکرات با ایران، بیش از هر زمان دیگری به توانایی واشـینگتن در مهار رفتار اسـرائیل گره خورده است. اگر کاخ سـفید نتواند بنیامین نتانیاهو را به رعایت تعهـدات مرتبط با لبنان وادار کند، نه‌تنها اعتبار تفاهم اخیر زیر سـؤال خواهد رفت، بلکه چشم‌انداز توافق نهایی نیز با بن‌بست مواجه می‌شود. از همین رو، واشینگتن ناگزیر است میان حمایت از تل‌آویو و حفظ مسیر دیپلماسی با تهران تـوازن برقرار کنـد. در این چارچـوب، گمانه‌زنی‌هایی مانند ادعای شـبکه ۱۲ اسـرائیل درباره تلاش ترامپ برای کنارزدن نتانیاهو نیز قابل فهم است؛ چراکه پیشبرد توافق با ایران، بدون مهار رفتار اسرائیل، برای کاخ سفید دشوار خواهد بـود. با این همه، آنچه بیش از هـر چیز اهمیت دارد، تغییـر پارادایم تحلیل تحولات منطقه پس از امضای تفاهم تهران-واشـینگتن اسـت. فضای جدید، دیگر صرفا با الگوهای پیشین «اقدام نظامی در برابر اقدام نظامی» تبیین‌شدنی نیسـت؛ اکنون باید رفتـار بازیگران را در چارچوب تعهـدات متقابل، ابزارهای فشار غیرمستقیم و دیپلماسی مبتنی بر هزینه‌سازی تحلیل کرد. اعزام هم‌زمان هیئت بلندپایه مذاکره‌کننده ایران به سـوئیس نیز مؤید همین راهبرد اسـت؛ راهبردی که می‌کوشد فشار ژئوپلیتیکی را با پیگیری دیپلماتیک درهم آمیزد تا طـرف مقابل را به اجرای تعهدات خود وادار کند، بدون آنکه مسـیر تفاهم از سوی تهران مسدود شود.

تنگه هرمز؛ نخستین پاسخ عملی به نقض تفاهم

سـاعت‌ها پس از آنکه حملات اسـرائیل به جنوب لبنان ادامه یافت و تهران، واشینگتن را به عمل‌نکردن به تعهدات خود در اجرای بند نخست تفاهم‌نامه متهم کرد، قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا با انتشـار اطلاعیه‌ای از بسته‌شـدن تنگه هرمز خبر داد. در این بیانیه تأکید شـد این اقدام در واکنش به بدعهدی آمریکا، ادامه حملات اسرائیل به لبنان و عدم عقب‌نشینی نیروهای اسرائیلی از جنوب لبنان صورت گرفته و «گام نخسـت» پاسـخ ایران به عهدشکنی طرف مقابل محسـوب می‌شـود. اندکی بعد روابط‌عمومی نیروی دریایی سپاه نیز با صدور اطلاعیه‌ای هشدار داد تنگه هرمز بر روی تمامی شناورها بسته است و هرگونه نزدیک‌شـدن به این آبراه، امنیت شـناورها را با مخاطـره مواجه خواهد کرد. این هشـدار، اهمیت تصمیم تهران را دوچندان کرد؛ چراکه تنگه هرمز یکی از حیاتی‌ترین مسیرهای انتقال انرژی جهان به شمار می‌رود و هرگونه اختلال در آن، می‌تواند آثار اقتصادی گسـترده‌ای در سطح بین‌المللی بر جای بگذارد. در همین فاصله، اسـماعیل بقایی، سـخنگوی هیئت مذاکره‌کننده ایران نیز تأکید کرد بند نخست تفاهم‌نامه ایران و آمریکا، پایان جنگ در همه جبهه‌ها ازجمله لبنـان را هدف قرار داده بود و آمریکا موظف بوده متحد خود یعنی اسـرائیل را بـه اجرای آتش‌بس وادار کند. او هشـدار داد در صورت تـداوم بدعهدی، کلیت تفاهم با چالش روبه‌رو خواهد شـد و ایران نیز متناسـب با رفتار طرف مقابل اقدام خواهد کرد. چند سـاعت پس از افزایش این فشـارها، خبر رسید بنیامین نتانیاهو، نخسـت‌وزیر و یسـرائیل کاتس، وزیر جنگ، به ارتش اسرائیل دستور توقف آتش در لبنان را صادر کرده‌اند. هرچند هنوز مشخص نیست این دسـتور تا چه اندازه پایدار خواهد ماند، اما هم‌زمانی آن با اقدام تهران، باعث تغییر موازنه در معادلات لبنان شده است؛ تغییری که این بار نه از مسیر تقابل مسـتقیم نظامی، بلکه از طریق اسـتفاده از یک اهرم ژئوپلیتیکی مهم دنبال شده است.

دیپلماسی در کنار فشار؛ «میناب ۱۶۸» راهی سوئیس شد

در حالـی کـه فضای منطقـه تحت تأثیر تحـولات لبنان قرار داشـت، تهران مسـیر دیپلماتیک را نیز متوقف نکرد. هیئـت بلندپایه مذاکره‌کننده ایران با نام «میناب ۱۶۸» راهی زوریخ شـد تا روند اجرای تعهدات طرف مقابل را پیگیری کند. ترکیـب این هیئت نیز نشـان‌دهنده اهمیت مذاکرات اسـت؛ محمدباقر قالیبـاف، سـیدعباس عراقچی، علی باقـری، عبدالناصر همتـی، حمید بورد، کاظم غریب‌آبادی، اسـماعیل بقایی و شماری دیگر از مسئولان ارشد سیاسی، اقتصـادی و انرژی، اعضای این هیئت را تشـکیل می‌دهند. بقایی، سـخنگوی وزارت خارجه و سـخنگوی مذاکرات، پیـش از عزیمت این هیئت تصریح کرد مذاکرات درباره توافق نهایی زمانی آغاز خواهد شـد که اجرای بندهای اولیه تفاهم، به‌ویژه پایان جنگ در لبنان، عملا محقق شده باشد. او با اشاره به سابقه بدعهـدی آمریکا تأکید کـرد ایران این بار اجرای تعهـدات را به صورت جدی مطالبه خواهد کـرد و ادامه روند تفاهم، منوط به پایبندی عملی طرف مقابل است. هم‌زمان، وزارت خارجه پاکستان نیز اعلام کرد مذاکرات فنی میان ایران و آمریکا در سوئیس با میانجیگری اسلام‌آباد و دوحه برگزار خواهد شد. از سوی دیگر، جی‌دی ونـس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا، خبر داد اسـتیو ویتکاف و جرد کوشنر هم‌اکنون در سوئیس حضور دارند و مذاکرات را مثبت ارزیابی کرد. هم‌زمان سـی‌ان‌ان به گفته یک مقام آمریکایی خبر داد انتظار می‌رود جی‌دی ونـس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا، امروز به مـوازات آغاز مقدمات مذاکره با ایران به سوئیس سـفر کند. در مجموع، تحولات دیروز تصویری از راهبرد تازه تهران ارائه می‌دهد؛ راهبردی که می‌کوشـد هم‌زمان از اهرم‌های ژئوپلیتیکی، اقتصادی و دیپلماتیک برای واداشـتن طرف مقابل به اجرای تعهدات استفاده کنـد. اینکه این راهبـرد تا چه اندازه بـه تثبیت آتش‌بس در لبنان و پیشـبرد مذاکرات منجر خواهد شـد، موضوعی اسـت که پاسـخ آن را باید در روزها و هفته‌های آینده جست‌وجو کرد.

نگاهی به معادلات این روزهای کشور در گفت‌وگو با محمد هاشمی‌رفسنجانی

شانس موفقیت مذاکرات پیش‌رو را بالا می‌دانم

عبدالرحمن فتح‌الهی: با امضای تفاهم‌نامه اولیه میـان ایران و ایالات متحده، اکنون پرونده روابط دو کشور وارد مرحله‌ای تازه و سرنوشت‌ساز شده است؛ مرحله‌ای که طی آن، طرفین در بازه زمانی حدود ۳۰ تا ۶۰ روز آینده، برای دسـتیابی به توافق نهایی وارد مذاکرات فشرده خواهند شـد. بااین‌حال، این روند صرفا یک فرایند فنی یا دیپلماتیک نیست، بلکه در بستری از تحولات پیچیده داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی دنبال می‌شود. از یک سو، آرایش نیروهای سیاسی در داخل کشور، رقابت‌های جناحی و تلاش برخی جریان‌ها برای اثرگذاری بر فضای افکار عمومی، معادلات داخلی را بیش از گذشته حساس کرده است و از سوی دیگر، تحولات پرشتاب منطقه، ملاحظات امنیتی، مواضع بازیگران بین‌المللی و رقابت قدرت‌های جهانی، بر روند مذاکرات سایه افکنده اسـت. از این‌رو، اگرچه امضای تفاهم‌نامه اولیه را می‌توان گامی مهم در مسیر کاهش تنش‌ها و حرکت به سـوی توافق ارزیابی کرد، اما واقعیت آن است که فضای سیاسی کنونی، چه در داخل و چه در عرصه بین‌الملل، همچنان با ابهام‌ها و متغیرهای متعددی روبه‌رو است و پیش‌بینی سرنوشت نهایی این مذاکرات را با دشواری همراه می‌کند. در پرتو این شـرایط پیچیده و چندلایه، واکاوی سیاست داخلی و سیاست خارجی و ارزیابی چشم‌انداز پیش‌روی کشـور، ضرورتی انکارناپذیر به نظر می‌رسد. بر همین اساس، با محمد هاشمی‌رفسـنجانی، عضو پیشـین مجمع تشـخیص مصلحت نظام، رئیس اسبق سازمان صداوسیما و عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی، به گفت‌وگو نشسته‌ایم تا از منظر تجربه و شـناخت او، مهم‌ترین ابعاد تحولات اخیر را بررسی کنیم که مشروح این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.

•••

با وجود فضای پرتنش سیاسی سال‌های اخیر و حملات، تخریب‌ها و مخالفت‌های گسترده این روزهای رادیکال‌ها با هرگونه مذاکره، اکنون شـاهد شکل‌گیری روندی متفاوت در عرصه دیپلماسی هسـتیم. برای اولین بار در تاریخ پس از انقلاب، شاهد امضای مشترک و مستقیم رؤسـای جمهور آمریکا و ایران پای یک سند مشترک دوجانبه هستیم. به نظر شما، این تحول نشانه عبور ساختار کشور به مرحله‌ای جدید در سیاست خارجی است یا آنکه باید این روند را صرفا اقدامی تاکتیکی و مقطعی ارزیابی کرد؟

برای پاسخ به پرسش شما باید فضا را قدری عمیق‌تر و دقیق‌تر کالبدشکافی کرد. فضایی که اکنون در کشـور حاکم اسـت، از دو منظر اهمیت ویژه‌ای دارد؛ منظر نخسـت، موضوع تفاهم‌ها و روندی اسـت که در این زمینه در جریان بوده اسـت. همان‌گونه که اطلاع دارید، اقداماتی که رژیم صهیونیستی در هفته گذشته و در طول آتش‌بس موقت انجام می‌داد، این بود که به هر طریقی شده از شکل‌گیری هرگونه تفاهم جلوگیری کند. از سوی دیگر، رفتارهایی که ترامپ از خود نشـان می‌داد و اساسـا اهدافی که برای خود تعریف کرده بودند، ازجمله حمله به ایران، با هدف تغییر نظام صورت می‌گرفت. اما با ایستادگی و حضور نیروهای مسلح در صحنه، همراهی مردم، پیگیری مذاکرات و دیپلماسی فعال جمهوری اسلامی و همچنین نقش برخی کشورهای دوست و میانجی که شرایط و ملاحظات مشترکی با جمهوری اسلامی ایران در منطقه داشـتند، مانند پاکسـتان و قطر، مجموعه این عوامل موجب شد این تفاهم شکل بگیرد. این تفاهم به سود منطقه و کشورهای منطقه است و امیدواریم در آینده به یک توافق رسـمی نیز تبدیل شود. حالا با امضای این تفاهم توسط آقای دکتر پزشکیان و ترامپ، بدون تردید ما وارد مرحله مذاکرات برای توافق نهایی شده‌ایم و چنین توافقی اگر محقق شود، می‌تواند از جنبه‌های مختلف، ازجمله سیاسـی و اقتصادی، برکات فراوانی برای کشورهای منطقه به همراه داشته باشد. به هر حال، موضوعاتی همچون نفت، انرژی، امنیت تنگه‌ها، تجارت و مسـائل مرتبط با آن، صرفا به یک یا دو کشور یا حتی به منطقه محدود نمی‌شود، بلکه بر کل جهان تأثیرگذار است.

مسئله دوم که در شرایط کنونی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است، تقارن این تحولات با ماه محرم اسـت. ایران همواره از محرم و عاشورا برکات فراوانی دیده و عزت‌های بسیاری کسب کرده است. حضرت امام(ره) نیز بارها تأکید می‌کردند که «این محرم و صفر است که اسلام را زنده نگه داشته است» و محرم را عامل سازندگی انسان و جامعه می‌دانستند. اکنون نیـز این تحولات، یعنی امضای تفاهم بین ایران و آمریکا و آغاز مذاکرات جدید برای حصول توافق نهایی، هم‌زمان با ایام محرم رخ داده اسـت؛ ماهی که آغاز و پیروزی انقلاب اسلامی نیز با آن گره خورده بود. در بیش از چهار دهه گذشته، محرم همواره منشأ خیر و برکت برای کشور بوده و در مقاطع مختلف، زمینه‌ساز حل بسیاری از مشکلات و تحولات مهم شده است. از این‌رو، در کنار روند تفاهم و تحولاتی که به آن اشاره کردم، محرم نیز از جایگاه بسیار مهمی برخوردار است؛ نه‌فقط برای شـیعیان، بلکه از منظر پیام آزادی‌خواهی، معنویت، آزادگی و حریت که در عاشورا نهفته است. البته برخی تعابیری مانند «مثلث شیعی» را به کار می‌برند، اما این‌گونه تعبیرها نمی‌تواند حقیقت محرم و عاشورا را محدود یا تبیین کند. این مفاهیم را گاه برای تضعیف این فرهنگ مطرح می‌کنند، در حالی که محرم و عاشورا حامل پیام آزادی، کرامت انسانی و معنویت هستند. عاشـورا در گذشته سرنوشت‌ساز بوده، امروز نیز هست و در آینده نیز در ساختن سرنوشت کشور نقش خواهد داشت. به اعتقاد من، هم‌زمانی این دو رخداد، یعنی روند تفاهم و فرارسیدن ماه محرم، می‌تواند برکات فراوانی برای منطقه و حتی جهان به همراه داشته باشد، ان‌شاءالله.

تحلیل شـما از فضای سیاسی و تقارن معادلات دیپلماتیک و تحولات منطقه‌ای با ماه محرم درسـت؛ اینکه از محرم به عنوان فرصتی برای تحکیم تفاهم و انسجام ملی نیز یاد کردید، جای خود. اینها روی کاغذ است. اما در عمل، درست از شب امضای توافق و پس از چند روز سـکوت، دوباره شاهد آغاز موج جدیدی از حملات علیه دولت، رئیس‌جمهور و رئیس مجلس بودیـم؛ آن‌هم از برخـی تریبون‌هایی که اتفاقا با ماه محرم و مراسـم مذهبی پیوند خورده‌اند. این دوگانه را چگونه می‌تـوان توضیح داد؟ آیا عده‌ای در حال بهره‌برداری سیاسـی از سرمایه عظیم عاشورا و محرم نیستند؟ اگر قرار است محرم مظهر وحدت ملی باشد، این رفتارها را چگونه باید تفسیر کرد؟

همان‌طور که عرض کردم، تقارن امضای تفاهم ایران و آمریکا و آغاز مذاکرات با ماه محرم را باید یک فرصت مهم برای کشـور دانسـت؛ چون ایران در بیش از چهار دهه گذشـته هر زمان که به فرهنگ عاشورا، روحیه ایثار، وحدت و همدلی تکیه کرده، توانسته است از مقاطع سخت با موفقیت عبور کند. امروز هم معتقدم به رغم برخی انتقادها به تفاهم انجام‌شده، محرم می‌تواند عامل تقویت انسـجام ملی باشـد، نه زمینه‌ای برای افزایش اختلاف‌ها. اگر همه جریان‌های سیاسی منافع ملی را بر منافع جناحی مقدم بدانند، این ایام بهترین فرصت برای تحکیم تفاهم، آرامش و خدمت به مردم خواهد بود. البته طبیعی است که در فضای سیاسی، دیدگاه‌های مختلفی وجود داشته باشد و هر گروهی تحلیل خود را ارائه کند، اما به نظر من نباید از تریبون‌های مذهبی برای دامن‌زدن به دوقطبی و تخریب اشـخاص استفاده شـود. فلسفه قیام امام حسین(ع) دعوت به حق، عدالت، اصلاح و کرامت انسانی بود و این مفاهیم باید محور سخنرانی‌ها و فعالیت‌های فرهنگی باشد. مسئولان، رسانه‌ها و جریان‌های سیاسی نیز باید مراقب باشند سرمایه عظیم اجتماعی محرم، صرف اختلافات روزمره نشود. امروز کشور بیش از هر زمان دیگری به همدلی نیاز دارد. اگر بتوانیم از فضای معنوی محرم برای تقویت اعتماد عمومی، حمایت از دسـتاوردهای کشور، رفع مشکلات معیشتی مردم و حرکت هماهنگ میدان و دیپلماسی استفاده کنیم، همان‌گونه که در گذشته محرم منشأ خیر و برکت بوده، این بار نیز می‌تواند زمینه‌ساز عبور از مشکلات و آغاز دوره‌ای از آرامش، سازندگی و پیشرفت باشد.

باز هم می‌خواهم تحلیلتان را به چالش بکشم، ولی از منظر دیگر. در همین چند روز نخست پس از شکل‌گیری این تفاهم، نشانه‌هایی از آرامش روانی و اقتصادی در کشور مشاهده شد؛ به‌گونه‌ای که بازار ارز و طلا نیز وارد کانال‌های جدید و کم‌سـابقه‌ای شـده است. اما از منظر سیاسـی و اجتماعی چطور؟ آیا از این حیث اگر به موضوع نگاه کنیـم، این تفاهم می‌تواند زمینه‌ساز بازگشـت امید، نشاط و شادابی اجتماعی و طراوت سیاسی نیز باشد؟ به‌ویژه آنکه کشور در سال ۱۴۰۴ دوران بسیار دشواری را پشت سر گذاشت؛ از جنگ ۱۲روزه گرفته تا حوادث تلخ دی‌ماه و در نهایت جنگ ۴۰ روزه‌ای که ادامه‌اش به سال ۱۴۰۵ نیز کشیده شد. آیا می‌توان این مقطع را سرآغاز فصلی تازه و دوره‌ای امیدوارکننده برای کشور دانست؟

بله؛ به نظر من توضیحاتی که پیش‌تر ارائه کردم، خود بیانگر شکل‌گیری شرایطی مطلوب اسـت. امروز نه‌تنها ایران، بلکه همه کشـورهای منطقه از نظر اقتصادی به ثبات، امنیت و دستیابی به دستاوردهای جدید نیاز دارند. این تفاهم، زمینه‌ساز دستاوردهای مهمی در حوزه تجـارت، بازار انرژی و به‌ویژه بازار نفت خواهد بود؛ حوزه‌ای که وابسـتگی درخور توجهی به این منطقه دارد. از نظر سیاسـی نیز این تفاهم آثار مثبتی به همراه داشته است. جایگاه و قدرت ایران در منطقه و حتی در سطح جهانی ارتقا یافته و اگر رسانه‌ها و تحلیل‌های بین‌المللی را دنبال کنید، مشاهده می‌کنید که ارزیابی‌های متفاوتی درباره قدرت سیاسی و نظامی جمهوری اسـلامی ایران مطرح می‌شود. امروز ایران به عنوان یکی از قدرت‌های مؤثر منطقه شناخته می‌شود و دیگر کسی نمی‌تواند به‌سادگی در اندیشه تضعیف یا حذف آن باشد. از سوی دیگر، جمهوری اسـلامی ایران مواضع خود را در موضوعـات مختلف، ازجمله مذاکرات، امنیت، انرژی و توان موشکی، به‌روشـنی اعلام کرده است و این موضوعات نیز در چارچوب تفاهم مورد توجه قرار گرفته‌اند. بنابراین همان‌گونه که اشـاره کردید، امیدوارم شـاهد شکل‌گیری دستاوردهای ارزشمند و شرایطی مطلوب برای کشور، منطقه و حتی جهان باشیم.

بیش از حد خوش‌بین نیسـتید؟ پس از پایان جنگ ۱۲روزه نیز بسـیاری از کارشناسان و ناظران سیاسی، ازجمله جناب‌عالی در گفت‌وگویی که پیش‌تر با شما در همین روزنامه شرق داشتم، بر ضرورت تغییر رویکردها و اصلاح برخی سیاست‌ها تأکید می‌کردند، اما در نهایت آن تحول اساسی که انتظار می‌رفت، محقق نشد و کشور بار دیگر با حوادث دی‌ماه مواجه شد. اگر با احتیاط بگوییم که فعلا جنگ ۴۰ روزه نیز به پایان رسـیده است، آیا این احتمال را می‌دهید که دوباره به همان الگوها و رویکردهای پیشین بازگردیم یا این بار شرایط را متفاوت ارزیابی می‌کنید؟

تصور من این است که این بار دیگر آن اتفاق تکرار نخواهد شد. سال جدید معادلات خود را دارد. نمی‌توان با عینک پارسال به امسال نگاه کرد.

چه عواملی باعث شده است چنین ارزیابی‌ای داشته باشید؟

چـون فضای بعـد از جنگ رمضان همه چیـز را به کل متفاوت از قبل کرده اسـت. به اعتقاد من، هم رژیم صهیونیستی و هم آمریکا، دست‌کم از منظر نظامی و تا حدی اقتصادی، تضعیف شـده‌اند و دیگر شرایط گذشته را برای تکرار آن اقدامات و جنگ تحمیلی تازه علیه ایران در اختیار ندارند. خود آنها نیز به‌خوبی می‌دانند امروز در برابر قدرت ایران، ظرفیت‌های منطقه و مجموعه نیروهای «جبهه مقاومت»، شرایط گذشته دیگر وجود ندارد و آن وضعیت تکرارشدنی نیست. از این رو، ناگزیر خواهند بود واقعیت‌های جدید را بپذیرند.

پس معتقدید با امضای تفاهم، جنگ دیگری رخ نخواهد داد؟

بله.

اگر مذاکرات شکست خورد و جنگ شد چطور؟

من شـانس موفقیت مذاکرات پیش‌رو پس از امضای تفاهـم اولیه را بالا می‌دانم. البته اگر آمریکا و صهیونیست‌ها بخواهند باز هم سـناریوی دیگری را دنبال کنند، براساس آنچه مسـئولان نظامی ازجمله قرارگاه خاتم‌الانبیا اعلام کرده‌اند، با پاسخ سختی روبه‌رو خواهند شـد. افزون بر این، ظرفیت‌های موجود در حزب‌الله لبنان و دیگر بازیگران منطقه نیز بخشی از معادلات جدید را تشـکیل می‌دهد. در مجموع، شـرایط منطقه نسبت به گذشته به‌طور محسوسی تغییر کرده و حتی در اروپا نیز این تغییرات قابل مشاهده است. امروز در کشورهایی مانند فرانسـه، انگلیس و برخی دیگر از کشورهای اروپایی، نوع نگاه افکار عمومی نسبت به غزه، فلسطین، ایران و تحولات منطقه با گذشته تفاوت پیدا کرده است. به همین دلیل، معتقدم همه طرف‌ها اگرچه شاید نتوان گفت تسـلیم شده‌اند، اما نسبت به قدرت و توانمندی‌های موجود اذعان دارند. از این رو، شـرایط ایران دیگر مانند گذشته نیست که بتوانند همان مسیر سابق را تکرار کنند. اگر هم بخواهند چنین کاری انجام دهند، پاسخی که دریافت خواهند کرد، پاسخ سختی خواهد بود.

اما پاسخ سـؤال قبلی خودم را نگرفتم. حالا از منظر دیگر می‌پرسم. اگر به تعبیر شما این ارزیابی را بپذیریم که جمهوری اسلامی ایران در عرصه نظامی، میدانی و دیپلماتیک به دست برتر دست یافته اسـت، آیا این برتری می‌تواند به تغییر فضای داخلی، شادابی اجتماعی و طراوت سیاسـی نیز منجر شود؟ به‌ویژه آنکه در دوران جنگ، به‌طور طبیعی فعالیت احزاب، جریان‌های سیاسی و کنش‌های اجتماعی با محدودیت بیشتری مواجه می‌شود. آیا در فضای پسـاجنگ می‌توان انتظار داشت که عرصه سیاست داخلی نیز گشوده‌تر شود و امکان تحرک بیشتری برای نیروهای سیاسی و اجتماعی فراهم آید؟

بله، مجموع مطالبی که عرض کردم، ناظر به همین موضوع بود. اعتقاد من این است که شرایطی که امروز بر منطقه و حتی بر جهان حاکم شده، با گذشته تفاوت دارد. همین تفاوت در عرصه میدان و دیپماسی و دست برتر ما می‌تواند فضای داخل را تحت تأثیر قرار دهد. به هر حال همان‌طور که می‌دانید سیاست داخلی و خارجی در امتداد هم هستند و بر هم اثرگذارند. پس بهبود فضای سیاست خارجی یعنی بهترشدن فضای سیاست داخلی و بالعکس. پس این شرایط جدید، اقتضائات خاص خود را دارد و می‌تواند دستاوردهای مهمی برای ایران، هم در داخل، هم در منطقه و در حتی جهان به‌همراه داشته باشد.

وارد فراز دیگری از بحث شویم. پرسشی را پیش‌تر با چند نفر از نزدیکان مرحوم آیت‌الله هاشمی مطرح کردم و مایل هستم نظر جناب‌عالی را نیز با توجه به حضورتان در متن تحولات آن دوران جویا شوم. بسیاری از تحلیلگران معتقدند فضای امروز، از جهاتی یادآور سال ۱۳۶۷ است؛ مقطعی که مرحوم آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی، هم ریاست مجلس را بر عهده داشتند و هم فرماندهی عالی جنگ را و در نهایت نقشی تعیین‌کننده در مدیریت پرونده پذیرش قطع‌نامه و تأمین منافع و آینده کشـور ایفا کردند. امروز نیـز برخی معتقدند آقای قالیباف، درحالی‌که مسـئولیت پیشـبرد مذاکرات را بر عهده دارد، هم‌زمان آماج انتقادها، تخریب‌ها و حملات سیاسـی قرار گرفته است. آیا از نظر شما می‌توان میان این دو مقطع و دو شخصیت شباهتی قائل شد یا همان‌گونه که آقای غلامعلی رجایی در مصاحبه با «شرق» معتقد بودند، آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی شخصیتی منحصربه‌فرد بود و اساسا این‌گونه مشابهت‌سازی‌های تاریخی مبنای درستی ندارد؟

بنده نیز با نظر آقای رجایی موافقم. مرحوم آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی اساسا از استراتژی و رویکرد متفاوتی برخوردار بودند و با شـیوه‌ای خاص مسائل را مدیریت می‌کردند. اصلا اگر بخواهیم مقطع جنگ تحمیلی، پذیرش قطع‌نامه و تحولات سـال‌های پایانی دفاع مقدس را نیز کنار بگذاریم و دریابیم که چرا نمی‌توان کسی را با آیت‌الله هاشمی مقایسه کرد، کافی است به دوران ریاست‌جمهوری او و تحولات آن برهه رجوع کنیم. نمونه روشن آن را می‌توان در سیاسـت خارجی دوران ریاست‌جمهوری ایشان مشاهده کرد؛ از جمله در بهبود روابط با عربستان سعودی، همچنین گسترش مناسبات با آلمان، ژاپن و دیگر کشورها پس از پایان جنگ تحمیلی. آیت‌الله هاشمی توانستند فضای بین‌المللی را به‌گونه‌ای تغییر دهند که بسیاری از کشورها برای سرمایه‌گذاری در ایران اعلام آمادگی کردند و امکانات و تسهیلات قابل توجهی را در اختیار جمهوری اسلامی قرار دادند. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های سیاست خارجی آیت‌الله هاشـمی، تنش‌زدایی بود. ایشان توانستند سطح تنش‌ها را در روابط منطقه‌ای و بین‌المللی به میزان قابل توجهی کاهش دهند. در عرصه داخلی نیز محور اصلی سیاست‌های ایشان، سـازندگی و بازسازی کشور بود. با توجه به خسارت‌های گسترده‌ای که در سال‌های جنگ بر کشور تحمیل شـده بود، برنامه‌ای جامع برای بازسازی و نوسازی زیرساخت‌ها تدوین و اجرا کردند و در این مسیر نیز موفقیت‌های قابل توجهی به دست آمد.

در بسـیاری از استان‌های کشور، شهرک‌های صنعتی ایجاد شد و تولیدات داخلی در آنها رونـق گرفت. در نتیجه، بخش قابل توجهی از کالاهای مصرفی که پیش‌تر با کمبود مواجه بود یا از خارج وارد می‌شـد، در داخل کشور تولید شـد و وابستگی به واردات کاهش یافت. شـرایط به‌گونه‌ای تغییر کرد که تولیـدات داخلی، علاوه بر تأمین نیاز بازار کشـور، به دنبال حضور در بازارهای منطقه‌ای و توسـعه صادرات نیز بودند. از سوی دیگر، جایگاه و اعتباری که آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی در میان رهبران کشورهای منطقه، از جمله عربستان سعودی و همچنین در کشورهای اروپایی مانند آلمان داشتند، زمینه‌ساز همکاری‌های گسترده و جذب سرمایه‌گذاری برای رفع نیازهای کشور شـده بود. در عرصه سیاست داخلی که مورد توجه شما در گفت‌وگو نیز هست، مرحوم آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی جایگاهی کم‌نظیر و تأثیرگذار داشت. او فراتر از مرزبندی‌های متعارف سیاسی، به شخصیتی مورد اعتماد برای طیف‌های مختلف نظام و جریان‌های سیاسـی از هر گرایشـی تبدیل شده بود؛ به‌گونه‌ای که بسیاری از احزاب و چهره‌ها، با وجود اختلاف دیدگاه، او را نقطه اتکای گفت‌وگو، تعامل و حل اختلافات می‌دانستند. این سرمایه سیاسی، محصول سال‌ها تجربه، مدیریت، آینده‌نگری و اعتمادسازی بود. از همین رو، معتقدم شرایط تاریخی، شخصیت سیاسی و رویکرد مدیریتی مرحوم آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی، مختص به دوران خود اوست و نمی‌توان آن را به‌صورت مستقیم با شرایط کنونی یا شخصیت‌های امروز مقایسه کرد. ضمنا هر دوره اقتضائات خاص خود را دارد و هر شخصیت نیز در بستر زمان و شرایط ویژه‌ای نقش‌آفرینی می‌کند. بنابراین هرگونه مشابه‌سازی میان آیت‌الله هاشمی و چهره‌های سیاسی امروز، از منظر تاریخی و تحلیلی، قیاسی دقیق و منطبق با واقعیت نیست.

پس وارد فراز دیگری از این گفت‌وگو شویم که مشخصا به تجربیات شما ارتباط پیدا می‌کند. مایلم این بخش از گفت‌وگو را به عملکرد رسـانه ملی اختصـاص دهیم. با توجه به اینکه از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۲ مسئولیت اداره سازمان صداوسیما را بر عهده داشتید، تجربه مستقیمی از مدیریت این رسـانه در یکی از حساس‌ترین مقاطع تاریخ کشور یعنی جنگ تحمیلی دارید. عملکرد صداوسیما در جریان دو جنگ اخیر، به‌ویژه جنگ ۴۰ روزه، با انتقادهای فراوانی روبه‌رو شد. حتی برخی معتقدند اگر در جنگ نخسـت (۱۲روزه)، این سازمان تلاش می‌کرد از طیف متنوع‌تری از چهره‌های سیاسی، از جمله نیروهای میانه‌رو و اصلاح‌طلب بهره بگیرد، در جنگ دوم عملا به تریبون یک جریان سیاسی خاص تبدیل شد؛ تا جایی که به گفته برخی منتقدان، بعضی چهره‌ها در طول یک هفته ده‌ها ساعت فرصت حضور در رسانه ملی پیدا کردند. با توجه به تجربه مدیریتی شما، ارزیابی‌تان از عملکرد صداوسیما در این جنگ چیست؟

پاسـخ این پرسـش از دو منظر قابل بررسی است؛ نخسـت اینکه آیا اساسا صداوسیما امروز این امکان را دارد که ده‌ها سـاعت آنتـن را در اختیار یک جریان فکری یا مجموعه‌ای از کارشناسان همسو قرار دهد و دوم اینکه اگر چنین امکانی وجود دارد، چرا برخی چهره‌ها می‌توانند ساعت‌های متمادی در برنامه‌های مختلف این رسانه حضور داشته باشند؟ پس باید این دو را از هم تفکیک کرد. در پاسخ به بخش نخست باید گفت که واقعیت‌های ساختاری صداوسـیما نسبت به دهه ۶۰، سال‌های آغازین دهه ۷۰ و به‌ویژه دوران دفاع مقدس که من در صداوسیما بودم، به‌طور کامل دگرگون شده است. امروز رسانه ملی ده‌ها شبکه رادیویی و تلویزیونی، شبکه‌های تخصصی و بسترهای متنوع رسانه‌ای در اختیار دارد. طبیعی است که با افزایش تعداد شـبکه‌ها، حجم تولیدات و ساعات پخش نیز به‌مراتب بیشتر شده و امکان حضور مکرر کارشناسان و چهره‌های سیاسی در برنامه‌های مختلف نسبت به گذشته افزایش یافته است.

گفت‌وگوی کامل را در سایت شرق بخوانید

آگهی فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله ای

نوبت اول

دهیاری چهلقز (کارفرما / مناقصه گزار) در نظر دارد، پروژه نگهداری وتوسعه فضای سبز روستا را با اطلاعات پایه به شرح ذیل از طریق مناقصه عمومی به پیمانکاران دارای صلاحیت و تاییدیه از دستگاه مربوطه آماده به کار با در نظر گرفتن مراتب ذیل واگذار نماید.
۱ - موضوع مناقصه :پروژه نگهـداری وتوسـعه فضـای سـبز روستای چهلقز واقع در تهران- بزرگراه امام رضا(ع) قیامدشت روستای چهلقز
۲ - شـماره مناقصـه:۱۴۰۵/۲۸۱ شـماره فراخوان سامانه تدارکات الکترونیک دولت: ۲۰۰۵۰۹۰۸۲۲۰۰۰۰۰۱
۳ - نوع مناقصه: عمومی تک مرحله ای
۴ - مدت انجام کار:۱۲ ماه از زمان انعقاد قرارداد
۵ - تضمیـن شـرکت در مناقصـه:به مبلغ ۱.۴۰۰.۰۰۰۰۰۰ ریال (یـک میلیـار و چهارصد میلیون ریال) به ۲ صورت:
۵-۱) ضمانت نامه بانکی معتبرباعنوان موضوع مناقصه به نفع کارفرماو یا
۵-۲) رسید سپرده نقدی به شماره حساب ۰۱۰۶۰۸۵۳۹۳۰۰۸ و یا شـماره شـبا IR ۰۹۰۱۷۰۰۰۰۰۰۰۱۰۶۰۸۵۳۹۳۰۰۸ نزدبانـک ملـی شعبه میـدان قیامدشت به نام دهیاری چهلقز که می بایست ارائه گردد.
۶ - ضمانـت حسـن انجـام تعهـدات:برنده مناقصه موظف به ارائه ضمانتنامه / سپرده حسن انجام تعهدات به مبلغ ۱۰٪ قرارداد می باشد.
۷ - پیش پرداخت : ندارد
۸ - محل تامین اعتبار: اعتبارات داخلی دهیاری
۹ - مهلت زمانی دریافت اسناد از سامانه تدارکات الکترونیکی دولت: تـا ساعت ۱۹ مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۱۰
۱۰ - آخرین مهلت تسلیم پیشنهادها: آخرین مهلت ارسـال پیشنهادها ۱۴۰۵/۰۴/۲۱ ساعت ۱۹ وارائه اصل ضمانتنامه شرکت در مناقصـه بـه دهیاری چهلقز پایان وقت اداری‌مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۱ (ساعت ۱۳) می باشد.
۱۱ - محل ارائه اصل ضمانتنامه شرکت در مناقصه وتلفن تماس جهت پاسـخگویی به سـوالات: تهـران، بزرگـراه امـام رضـا(ع) (شرق به غرب)، قیامدشت، روستای چهلقز دهیاری چهلقز ، تلفن:۰۲۱۳۶۸۵۹۳۰۰
۱۲ - زمان گشایش پیشنهادها: روز دوشـنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۲ درمحـل دفتر دهیاری ساعت ۹
* کلیه فرآیند انجام مناقصه (دریافت اسنادمناقصـه و...) از طریـق سـامانه تـدارکات الکترونیکی دولت بـه آدرس: www.setadiran.ir انجام می پذیرد.
هزینه آگهی به عهده برنده مناقصه می باشد.

آگهی دعوت به مجمع عمومی فوق العاده
شرکت نخ رنگ (سهامی خاص)
به شماره ثبت ۵۴۳۶۵ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۹۹۴۹۱۸
بدینوسـیله از کلیـه سـهامداران شـرکت دعـوت مـی شـود تـا در جلسـه مجمـع عمومـی فـوق العـاده در سـاعت ۱۱ صبـح روز چهارشـنبه مـورخ ۱۴۰۵/۰۴/۱۰ کـه در محـل دفتـر مرکـزی شـرکت بـه آدرس : تهـران ، ازگل، گلچیـن شـمالی، بلـوار صدرنـژاد، انتهـای بـن بسـت سـاحل، پلاک ۷ ، واحد۵ تشکیل میگردد حضور به هم رسانند.
دستور جلسه :۱-تغییر نشانی مرکز قانونی شرکت ۲-سایر موارد
هیأت مدیره شرکت نخ رنگ

برگه کمپانی فاکتور خرید و برگ سبز سند مالکیت موتورسیکلت پی‌جی‌او PGO تیپ SR۱۵۰ رنگ سفید به نام آقای **علی اکبر شعبانی** با شماره موتور M911M*۳۰۲۹۹۷۳ و شماره شاسی NCVPYNGPLK1S01511 شماره پلاک ۱۱۹ ایران ۳۹۱۸۲ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشند.